

Analyzing the views of al-Hawizi in the interpretation of Noor al-Saghalin regarding the verses of the end of time

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Noorali Kohan¹
Ahmad Moradkhani^{2*}
Mahdi Gholamali³

How to cite this article

Kohan Noorali, Moradkhani Ahmad, Gholamali Mahdi, Analyzing the views of al-Hawizi in the interpretation of Noor al-Saghalin regarding the verses of the end of time, *Journal of Quran and Medicine*. 2023; 7(5): 77-83.

1. PhD student, Department of Quran and Hadith Sciences, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
2. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran (corresponding author).
3. Assistant Professor of Qom Hadith Qur'an University, Qom, Iran.

* Correspondence:

Email: Ah_moradkhani@yahoo.com

ABSTRACT

One of the interpretations of the Qur'an, in which complete views of the Qur'an are discussed, is the interpretation of "Noor al-Saqlain" by "Al-Hawizi". One of the most important issues that is well mentioned and evaluated in this commentary is the end of time issue. In the Holy Qur'an, it is mentioned about the issues of the future era and the events of the end of time, the conquest of the good and the good over the world and the rule of the righteous. Islamic commentators have considered such verses, according to authentic hadith evidence and the commentary and references of the verses themselves, to be about the appearance of Hazrat Mahdi Ajjullah and the end of time and the appearance of the "Crimea State". In this research, the apocalyptic prophecies of the Holy Qur'an according to al-Hawazi were explored in the interpretation of Noor al-Saqlain. About the concept of prophecy and its difference with foresight and prediction, and then human interest in prophecies and the prophecies of prophets and divine saints by God's permission were investigated. The current research was done with descriptive analytical method and reference to library sources. One of the most important results of this research is that the Holy Qur'an, as a living document of the mission, should be forever protected from any distortion. One of the contents of the Qur'an is news from the future and a definitive report of events that will happen in the future. What the Qur'an informs about is issued from the source of revelation and is based on the infinite knowledge of God Almighty, and there is no error or doubt in its realization. .

Keywords: Prophecy, waiting for the coming of the Savior, al-Hawizi, Tafsir Noor al-Saqlain.

پیرامون آیات آخر الزمان

نورعلی کهن^۱

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

احمد مرادخانی^{۲*}

دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)

مهدی غلامعلی^۳

استادیار دانشگاه قرآن حدیث قم، قم، ایران.

چکیده

یکی از تفاسیر قرآن که در آن به بیان دیدگاه‌های کاملی از قرآن پرداخته شده، تفسیر «نور الثقلین» از «الحویزی» است و از مهم‌ترین مسائلی که به خوبی در این تفسیر، ذکر و ارزیابی شده، مسأله‌ی آخر الزمان می‌باشد. در قرآن مجید، درباره‌ی مسائل آینده‌ی دوران و حوادث آخر الزمان و استیلای خوبی و خوبان بر جهان و حکومت یافتن صالحان، سخن به میان آمده است. این گونه آیات را مفسران اسلامی، طبق مدرک معتبر حدیثی و تفسیر و اشارات خود آیات نیز درباره‌ی ظهور حضرت مهدی عجل الله و آخر الزمان و ظهور «دولت کریمه» دانسته‌اند. در این تحقیق پیشگویی‌های آخر الزمانی قرآن کریم از نظر الحویزی در تفسیر نور الثقلین مورد کنکاش قرار گرفت و درباره‌ی مفهوم پیشگویی و تفاوت آن با آینده نگری و پیش بینی و سپس علاقه بشر به پیشگویی‌ها و پیشگویی انبیا و اولیاء الهی به اذن خداوند بررسی شد. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و استناد به منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته و از مهم‌ترین نتایج این تحقیق آن است که قرآن کریم به عنوان سند زنده‌ی رسالت می‌بایست برای همیشه از هر گونه تحریف مصون بماند یکی از خبرهای محتوایی قرآن، اخبار از آینده و گزارش قطعی از حوادثی است که در آینده باید رخ دهد، می‌باشد. آنچه قرآن از آن خبر می‌دهد از منبع وحی صادر شده و متکی بر علم بی پایان خداوند متعال است و هیچ خطا و شکی در تحقق آن نمی‌باشد قرآن کریم در بعضی از آیات به حوادثی که پیش از قیامت کبری انجام می‌پذیرد، اشاره کرده است.

واژگان کلیدی: پیش‌گویی، انتظار ظهور منجی، الحویزی، تفسیر نور الثقلین.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

*نویسنده مسئول: Ah_moradkhani@yahoo.com

مقدمه

اعتقاد به ظهور منجی بزرگ جهان و فراهم آوردن شرایط لازم برای ظهور او، از جمله آموزه‌های اصلی و پایه‌های اعتقادی همه‌ی مذاهب و آیین‌هاست، تا حدی که گاهی برنامه‌های کلان سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... کشورها براساس این اعتقاد طراحی می‌شوند. وعده آمدن موعود و نجات دهنده‌ی جهانی و برپایی دولت کریمه بر محوریت عدالت، وعده‌ای است که در ادیان الهی، مطرح و برای آن نشانه‌هایی بیان شده است. از طرف دیگر، انسان‌ها همواره مشتاق دانستن آینده و سرنوشت خود و دنیای اطراف بوده و هستند. پیشگویان و آینده‌نگران را می‌توان به آسمانی و زمینی تقسیم کرد. آینده‌بینان آسمانی از طرف پروردگار آفرینش برگزیده شده‌اند و حجت‌های او بر آدمیان هستند. کلام آنان، ریشه در وحی آسمانی دارد و از افق بالا به هستی می‌نگرند ولی آینده‌نگران زمینی، دید محدودی دارند مهدی منتظر علیه‌السلام از دیدگاه اهل سنت: برخی تصور می‌کنند که اعتقاد به مهدی منتظر، ویژه شیعیان است در حالی که اصل این عقیده از نظر اهل سنت با شیعه همسان بوده و بین این دو فرقه از حیث بشارت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله راجع به ظهور آن حضرت و ماموریت جهانی وی و درباره‌ی شخصیت برجسته و مقدس آن بزرگوار و حتی نشانه‌های ظهور و ویژگی‌های انقلاب او، تفاوتی وجود ندارد. شمار راویان احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله از صحابه و تابعین اهل سنت کمتر از راویان شیعه نیست همچنین است اشخاصی از آن‌ها که روایات یاد شده را در اصول و مجموعه‌های احادیث، تدوین نمود و کسانی که دارای تالیفات ویژه‌ای در این زمینه می‌باشند. شاید کهن‌ترین کتابی که از اهل سنت درباره‌ی مهدی علیه‌السلام به دست ما رسیده است، کتاب "فتن و ملاحم" اثر حافظ نعیم بن حماد مروزی (متوفای سال ۲۲۷ هـ) باشد که مؤلف آن از اساتید بخاری و دیگران بوده است و از مصنفان صحاح شش‌گانه به شمار می‌رود نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه دایرة المعارف عثمانی در حیدرآباد هند شماره ۳۱۸۷-۸۳ و نسخه‌ای در کتابخانه ظاهریه دمشق به شماره ۶۲-۴۰۰، وجود دارد و نسخه‌ای در کتابخانه موزه انگلستان است. چنان که قدیمی‌ترین اثر شیعی درباره‌ی عقیده‌ی حضرت مهدی علیه‌السلام که به دست ما رسیده کتاب "غیبت" و یا کتاب "قائم" از فضل بن شاذان نیشابوری است که معاصر نعیم بن حماد بوده است وی کتاب خویش را قبل از ولادت حضرت مهدی علیه‌السلام و غیبت او تالیف نموده است. نسخه‌های این کتاب در قرون گذشته در دسترس علمای ما بوده است ولی متأسفانه در این قرن از آن خبری نیست تنها مقداری از این اثر در ضمن تالیفات و کتاب‌های دانشمندانی که از آن کتاب استفاده کرده‌اند بر جای مانده است، بویژه علامه مجلسی که روایاتی از آن کتاب را در دائرةالمعارف خود "بحارالانوار" نقل نموده است. در این پژوهش تلاش شده است تا با روش توصیفی تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای تلاش شده است تا دیدگاه‌های «الحویزی» پیرامون

آیات آخر الزمان مورد ارزیابی قرار بگیرد و در نهایت پاسخ سوالات ذیل تبیین شود:

- ۱- آیات پیشگویی‌های آخر الزمان در تفسیر نور الثقلین حویزی چگونه بیان شده است؟
- ۲- در تفسیر نور الثقلین کدام یکی از مسائل آخر الزمان بیشتر مورد توجه بوده است؟

پیشینه تحقیق

در رابطه با موضوع این مقاله، پژوهش‌هایی صورت گرفته که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره شده است:

- مقاله‌ی «نقد متنی روایات تفسیر نورالثقلین بر اساس مستندات قرآنی»، از «رحمت الله عبدالله زاده آرانی؛ خدیجه خدمتکار آرانی» (۱). نتیجه‌ی این پژوهش آن بود که پاره‌ای از روایات هم با مسائل بدیهی عقلی در تناقض و تعارض هستند و هم با آیات محکم قرآن همسویی ندارند.
 - مقاله‌ی «تحلیل نظریه‌ها در کارکرد روایات تفسیری بر محور گونه‌شناسی روایات تفسیر نورالثقلین»، از محسن قمر زاده و مهدی مهریزی طرقي و سید محمد علی ایازی و سید محمد باقر حجتی. (۲). نویسندگان در این مقاله اینگونه نتیجه‌گیری کردند که بررسی روایات تفسیری به صورت میدانی با کیفیت بهتری می‌تواند از معانی و مفاهیم موجود در روایات پرده بردارد و سبب فهم دقیق‌تر آن‌ها گردد.
 - مقاله‌ی «تحلیل آموزه‌های تربیتی روایات تفسیری سوره‌ی احزاب با تاکید بر تفسیر نور الثقلین و در المنثور» از سیده زینب طلوع هاشمی و رحیمه علیدوست (۳). دستاورد این پژوهش آن است که دنیا محل فریب آدمی است و در ابتدا خود را به عنوان دوست انسان می‌نمایاند و وی را فریب می‌دهد، ولی در نهایت وی را پس می‌زند و سرنوشتی جز فنا و نابودی برای وی رقم نمی‌زند.
 - مقاله‌ی «بررسی چگونگی بهره‌گیری روایات از دانش‌های زبانی در تفسیر قرآن (مطالعه موردی آیه بسمله از تفاسیر البرهان و نور الثقلین)» از مریم میرزا خانی و رضا شکرانی و سید محمد رضا ابن الرسول (۴). نویسندگان این مقاله چنین استنتاج کردند که بسیاری از احادیث و روایات اهل بیت علیهم السلام بیشتر به مباحث لغوی و بررسی و تفسیر واژگان اختصاص دارد و تعداد کمی از آن‌ها دارای شواهد نحوی و بلاغی است.
- همانگونه که پیداست هیچ یک از این مقالات، در رابطه با تفسیر آیات آخر الزمان در تفسیر نور الثقلین نیست و همین امر باعث تمایز مقاله‌ی حاضر از پژوهش‌های مذکور می‌باشد.

آیات آخر الزمان در تفسیر نور الثقلین

موضوع "مهدی" "انتظار" و "ظهور"، سراسر کتاب‌ها و مدارک مذاهب اسلامی را فراگرفته است پیامبر خاتم، خود آن را تعلیم داده است علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر امامان همواره، درباره‌ی آن سخن گفته‌اند، و درباره‌ی خصوصیات موعود و ظهور، و انتظار منتظران، مطالبی دقیق و بسیار مطرح ساخته‌اند. علما و بزرگان فرق اسلام، در سرتاسر تاریخ اسلام، و در سرتاسر جهان اسلام، در این باره فصل‌ها نوشته‌اند و کتاب‌ها نگاشته‌اند. در قرآن مجید، درباره‌ی مسائل آینده دوران، و حوادث آخر الزمان، و استیلای خوبی و خوبان بر جهان و حکومت یافتن صالحان - گاه به اشاره، و گاه به تصریح - سخن گفته شده است. این گونه آیات را مفسران اسلامی، طبق مدارک معتبر حدیثی و تفسیر، و اشارات خود آیات نیز، درباره‌ی ظهور حضرت مهدی علیه السلام و آخر الزمان، و ظهور "طلعت رشیده"، و "دولت کریمه" دانسته‌اند، اینک به بررسی چندین آیه می‌پردازیم. حویزی در تفسیر نور الثقلین حدود ۵۰ آیه را همراه با روایات اهل البیت که در شان مهدی آخر الزمان تاویل شده بیان کرده است بقره آیه‌ی ۶۰، ۱۱۵، ۱۴۸، ۱۵۵، ۲۶۱، آل عمران آیه‌ی ۱۱۲، ۸۳، ۱۴۱، نساء آیه‌ی ۴۷، ۹۵، ۶۹، ۳۸، ۱۵۹، انعام آیه‌ی ۱۱۵ و ۱۵۸، اعراف آیه‌ی ۱۸۷، انفال آیه‌ی ۳۹، توبه آیه‌ی ۳۳، هود آیه‌ی ۸ و ۸۶، ابراهیم آیه‌ی ۵ و ۱۰۵، حجر آیه‌ی ۳۸، اسراء آیه‌ی ۵ و ۶ و ۸۱، مریم آیه‌ی ۷۵، طه آیه‌ی ۱۱۰، حج آیه‌ی ۳۹، ۴۱، ۴۵، ۷۷، ۷۸، نور آیه‌ی ۳۳، شعرا آیه‌ی ۴، نمل آیه‌ی ۶۲ و ۸۳، قصص آیه‌ی ۵، لقمان آیه‌ی ۲۰، سبا آیه‌ی ۵۱، ص آیه‌ی ۸۸، زمر آیه‌ی ۶۹، فصلت آیه‌ی ۵۳، محمد آیه‌ی ۱۸، شوری آیه‌ی ۲، ق آیه‌ی ۴۱ و ۴۲، قمر آیه‌ی ۱، ملک آیه‌ی ۳۰، معارج آیه‌ی ۲۶، غاشیه آیه‌ی ۱، لیل آیه‌ی ۱، عصر آیه‌ی ۱، دخان آیه‌ی ۱۰ تا ۱۳. در ذیل به بررسی دیدگاه‌های حویزی در تفسیر برخی از این آیات پرداخته شده است.

۱- آیه‌ی ۱۱۲ سوره‌ی آل عمران «ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ أَلَمَ لِمَا تَقْفُوا أَلَا يَحْسِبُ مِنَ اللَّهِ وَحِيلَ مِنَ النَّاسِ وَبَاءَ وَبَاءَ وَبَعْضَ مِنَ اللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذَلِكَ بَأْنِهِمْ كَانُوا يُكْفَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ»

تعبیر «من الناس» که قرآن از آن درباره‌ی یاجوج و ماجوج و سرانجام آن‌ها در آینده سخن می‌گوید، قرآنی که از امکان مسافرت‌های فضایی مطلب به میان می‌آورد، آیه‌ی ۳۳ از سوره‌ی الرحمن یا معشر الجن... الا به سلطان آیا قرآنی که در این موارد و زمینه‌های سخن می‌گوید ممکن است درباره‌ی حضرت مهدی علیه السلام و استیلای وی بر حکومت بحتی فرموده باشد؟ این غیرممکن است. قرآن مجید قطعاً از حضرت مهدی علیه السلام و برپایی حکومت وی در مواضع عدیده و آیات فراوان خبر داده است. تاویل این آیات درباره‌ی حضرت مهدی علیه السلام و ظهور آن بزرگوار است، ائمه اهل بیت علیه السلام یعنی کسانی که قرآن در خانه‌های آن‌ها نازل گردید، به این مطلب تصریح فرمودند و خدائیان

نمود و لاغیر اما این معنی مسلماً تا امروز محقق نگردیده است. ائمه اهل بیت علیهم السلام در تاویل این آیه فرموده‌اند که: وعده‌ی الهی در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام تحقق می‌یابد. احادیث متواتری تصریح دارند که این آیه بر عصر حضرت مهدی علیه السلام منطبق می‌گردد. در تفسیر مجمع البیان طبرسی و تفسیر عیاشی و تفاسیر دیگر آمده که حضرت امام علی بن الحسین علیه السلام این آیه را خوانده آن‌گاه فرمودند: آن‌ها به خدا قسم شیعیان ما اهل بیت هستند که خدای تعالی این خلافت بخشیدند به آن‌ها را به دست مردی از خاندان ما - که مهدی این امت باشد انجام خواهد داد. مهدی همان کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره‌اش فرمود: «اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خدای تعالی آن را آنقدر طولانی سازد تا آنکه مردی از عترت من - که نامش نام من است - به خلافت رسد و زمین را از عدل و داد پر کند، آنگونه که از ظلم و جور پر شده باشد» (۹)؛ علاوه بر این، تمکن مطلق روی کره زمین در گذشته اتفاق نیفتاده است؛ از این روی باید گفت که در آینده واقع خواهد شد، زیرا خداوند وعده خود را خلاف نخواهد نمود. اما در رابطه با آیه‌ی «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ اِلَآءِ الْاَرْضِ يٰرِثُهَا عِبَادِى الصّٰلِحُونَ» (انبیاء/ ۱۰۵) یعنی و ما در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان صالح ما، به ارث می‌برند. طبرسی و دیگران در تفسیر این آیه، از حضرت ابو جعفر امام محمد بن علی الباقر علیهما السلام روایت می‌کنند که ایشان فرمودند: آن‌ها یاران مهدی علیه السلام در آخر الزمان هستند (۱۰).

۳- آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی توبه «هُوَ الَّذِیْ اَرْسَلَ رَسُوْلَهٗ بِالْمُهْدِیْ وَدِیْنِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلٰی الدِّیْنِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُوْنَ» این آیه سه بار در قرآن تکرار شده که دلیل بر اهمیت موضوع است. ائمه اهل بیت علیهم السلام فرموده‌اند که: تاویل این آیه، متعلق به زمان امام عصر یعنی حضرت مهدی علیه السلام و ظهور اوست. پیرامون روایات وارده در تاویل آیه، در تفسیر برهان از قول ابن عباس ذیل آیه‌ی از سوره‌ی ۳۳ توبه چنین آمده است: «این معنی، محقق نمی‌شود تا آنکه هیچ یهودی و نصرانی و متدین به هر دینی باقی نماند مگر اینکه به اسلام بگردد» (۱۱)؛ قندوزی حنفی در کتاب خود "ینایع الموده" از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه، حدیثی را نقل کرده است که ایشان فرمودند: «به خدا قسم، تاویل این آیه نخواهد آمد تا آنگاه که قائم مهدی علیه السلام خروج نماید و وقتی که خروج فرمود، مشرکی باقی نخواهد ماند مگر آنکه خروج او را دوست نمی‌دارد و کافری باقی نمی‌ماند مگر آنکه کشته خواهد شد» (۱۲). علامه مجلسی در بحار الانوار ذکر نموده است که «از ابوبصیر روایت شده، که گوید: از حضرت صادق علیه السلام درباره‌ی آیه‌ی ۳۳ از سوره‌ی توبه سوال کردم. امام صادق علیه السلام فرمودند: به خدا قسم، تاویل آن هنوز آشکار نگردیده است، عرض کردم: فدایت شوم، کی تاویل آن نازل خواهد گردید؟ فرمودند: تا آنکه قائم به خواست خداوند قیام کند. اگر او قیام نماید مشرکی

خانه به آنچه در اوست آگاه‌تر هستند. اینک برخی از این آیات را ذکر می‌کنیم؛ به عنوان مثال در تفسیر نور الثقلین پیرامون آیه‌ی ۸۳ از سوره‌ی آل عمران «و له اسلم... طوعاً و کرهاً» چنین آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، سرزمینی باقی نمی‌ماند مگر اینکه در آن به یگانگی خداوند و رسالت پیامبر خدا صل الله علیه و آله شهادت داده شود. فرمود: این آیه درباره‌ی حضرت قائم عجل الله می‌باشد...» (۵).

۲- آیه‌ی ۵ سوره‌ی قصص «وَنُرِیْدُ اَنْ نَّمَنَّ عَلٰی الدِّیْنِ اَسْتَضْعَفُوْا فِی الْاَرْضِ وَنَجْعَلُهُمْ اُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِیْنَ»

در راستای معنای این آیه‌ی شریفه در بخش سوم از نهج البلاغه چنین آمده است: «تعطفن الدنيا علينا بعد شماسها عطف الطروس علا ولدها» یعنی پس از آن که دنیا مانند شتر تندخویی که از فرزند خود می‌گریزد از ما گریخت، سرانجام به سوی ما باز خواهد گشت. پس از این بیان حضرت علی علیه السلام آیه‌ی زیر را تلاوت فرمودند: «ونرید... الوارثین» (نهج البلاغه حکمت ۲۰۹)؛ ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه می‌گوید: «اصحاب ما می‌گویند: در این کلام وعده به امامی است که زمین را مالک گردیده بر تمام کشورها استیلا و غلبه خواهد یافت» (۶)؛ این حدیث به طرق گوناگون از امام علی علیه السلام نقل گردیده است و شاید به مقداری شرح و توضیح نیازمند باشد؛ از این رو باید گفت «تعطفن»: جمله عطف الناقه علی ولدها یعنی شتر ماده بر فرزندش ترجم آورد و شیر از پستانش زیاد بیرون آمد، «شماس»: یعنی جمله شمس الفرس یشمس یعنی: اسب از فرمان راکب خود سربیزی و از سواری دادن خودداری کرد. «الضروس» یعنی ماده شتر تندخو که شیردوش خود را گاز می‌گیرد» (۷). معنی سخن حضرت علی علیه السلام چنین می‌شود: دنیا بعد از جفای طولانی و ناملازمات فراوان بر اهل بیت، به ما برخورد خواهد گشت. مقصود به پاشدن حکومت اهل بیت علیهم السلام است و غلبه بر دشمنان و هموار شدن تمام مشکلاتی که مانند سنگ بزرگی در راه نهضت مقدسشان ایستاده‌اند و آسان شدن دنیا پس از دشواری‌اش و شیرین شدن آن بعد از تلخی و مرارتش و فرمان بردار شدن به دنبال تمرد و نافرمانی‌اش، و مطیع و متقاد گشتن پس از عصیان. «از امیرمؤمنان علیه السلام نقل است: مستضعفان در زمین، کسانی که در کتاب خدا ذکرشان کرده‌اند، آنانی که خدای تعالی پیشوایانی خواهد گرداند، ما اهل بیت هستیم که خدای تعالی مهدی موعود آن‌ها را برانگیخته خواهد کرد پس ایشان را عزیز و سربلند، و دشمنانشان را خوار خواهد نمود» (۸). آیات تاویل شده به امام مهدی علیه السلام: تاویل از برگرداندن کلام از معنای ظاهری آن به معنایی که از نظر مخفی است «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض» چه می‌شود؟ معنی این وعده آن است که اسلام در تمام کره زمین حکومت خواهد نمود و مسلمانان آداب و شعائر دینی را بدون تقیه و ترس از احدی، بر پای خواهد کرد و در تمام مناطق آباد و مسکونی، فقط اسلام سیادت پیدا خواهد

باقی نمی ماند (۸)؛ محقق معاصر سید صادق حسینی شیرازی (۱۲) در کتاب خود «المهدی فی القرآن» ۱۰۶ آیه از مصادر اهل سنت نقل کرده است که به حضرت مهدی عجل الله تاویل شده است. علامه سید هاشم حسینی بحرانی در کتاب خود «المحججه فیما نزل فی القائم الحجه» در یکصد و بیست آیهی قرآن، از آیات تاویل شده به حضرت مهدی علیه السلام تالیف کرده است که توسط سید محمد منیر میلانی مقابله، تصحیح، تحشیه و استدراک شده و به یکصد و سی چهار آیه از آیات قرآن بالغ گشته است. تمام موارد انبیاء در نزد امام عصر علیه السلام می باشد. میراث های پیامبران که نزد حضرت مهدی علیه السلام است: زمانی که حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه ظهور می کند، به همراهشان میراث هایی از انبیاء و به ویژه از پیامبر اکرم صل الله علیه و آله موجود است، میراث هایی که با هیچ بهایی نتوان ارزیابی نمود و قابل قیمت گذاری نیست. اشیایی نفیس و قیمتی که پیامبران برای اوصیاء پس از خود باقی می گذارند و از یک وصی به وصی بعدی منتقل می گردد و سرانجام به خاتم الاوصیاء دوازده همین جانشین یعنی حضرت امام مهدی منتظر علیه السلام می رسد. هم اکنون نیز نزد ایشان موجود است و تا روز ظهورشان آن ها را حفظ خواهد نمود. می پرسید: نقش این میراث ها در روز ظهور امام چیست؟ پاسخ آن است که: این میراث ها بیانگر اولویت حضرت مهدی علیه السلام از دیگر مردم نسبت به انبیاء و اوصیاست و اینکه آن بزرگوار ادامه رسالت الهی انبیاء عظام می باشند. از آنها بهره های دیگری نیز گرفته می شود: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: «وقتی که قائم ظهور نماید، پرچم رسول الله صل الله علیه و آله و خاتم سلیمان و سنگ و عصای موسی را آشکار خواهد نمود» (۱۳)؛ از امام صادق علیه السلام درباره ی پرچم رسول خدا روایت گردیده چنین آمده است. جبرئیل آن را روز پدر آورد. رسول خدا آن پرچم را در روز بدر برافراشت. آنگاه آن را پیچید و به علی علیه السلام داد در روز بصره جنگ جمل امیر المومنین با ذکر خدا وی را با آن پرچم پیروز فرمود. آنگاه آن را در هم پیچید و هم اکنون نزد ماست. آن را کسی نمی گشاید تا آنکه قائم قیام کند. وقتی که قیام نمود آن را باز می کند» (۱۳)؛ اما خاتم سلیمان، درباره اش چنین روایت شده که وقتی آن را در دست می کرد خدای متعال برای وی باد و پرندگان و فرشتگان را مسخر می فرمود. انگشتر سلیمان علیه السلام یکی از موارد انبیاء، انگشتر حضرت سلیمان است که در اختیار حضرت مهدی قرار می گیرد. انگشتر سلیمان معجزه آساست توسط آن، کافر و مسلمان تشخیص داده می شود که جن و انس مطیع او بودند. اما سنگ و عصای موسی، خدای تعالی می فرماید: «وإذا استسقی موسی لقومه، فقلنا اضرب بعصاک الحجر، فانفجرت منه اثنتا عشرة عینا، قد علم کل أناس مشربهم» یعنی آن هنگامی که موسی برای قومش از خدا آب خواست، به وی گفتیم با عصای خود به سنگ بزن پس از آن دوازده چشمه جوشیدن گرفت هریک از مردم آبشخور خود را می دانستند (بقره / ۶۰)؛ خدای سبحان همچنین می فرماید: و أوحینا إلی موسی

أن ألق عصاک فإذا هی تلقف ما یأفکون» یعنی به موسی وحی کردیم که عصای خود را بیفکن. ناگهان به بلعیدن آنچه که آن ها به دروغ ساخته بودند پرداخت (اعراف / ۱۱۷)؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «عصای موسی چوب درخت یاس بود از درخت های بهشتی، وقتی موسی به سوی مدین می رفت جبرئیل آن را برایش آورد» (۱۳)؛ حضرت باقر علیه السلام فرمود: «وقتی که قائم خروج کند... با خود سنگ موسی بن عمران را که صخره ای به قدر بارشتر و بس سنگین است، حمل نماید. در هیچ منزلی فرود نمی آید، مگر آنکه چشمه ها برایش جوشیدن گیرد» (۱۳). عصای موسی به اذن خداوند به ازدها تبدیل شد و آنچه که جادوگران از ریسمان ها و چوب ها به شکل مار درآورده بودند را بلعید که فرعون از ترس بی هوش شد. عصای موسی از آدم علیه السلام بود بعد به دست حضرت شعیب علیه السلام رسید، سپس نصیب موسی علیه السلام گردید. آن عصا سبز است و سخن می گوید، اهل باطل را می ترساند و هر چه بیندازد می بلعد. پیراهن معجزه آسا ودیعه الهی است که پیراهن مهدی علیه السلام خواهد بود. حضرت صادق علیه السلام به یعقوب بن شعیب فرمود: «می خواهی پیراهن قائم را - که با آن قیام می کند - به تو نشان دهم؟ عرض کرد: آری. آن حضرت صندوقچه ای را خواستند. آن را باز کردند و پیراهنی از کرباس از آن بیرون کشیدند. سراسین چپ پیراهن خونین بود. سپس فرمودند: این پیراهن رسول خدا صل الله علیه و آله است، همان که در روزی که دندانهای پیامبر شکست» (۱۳)؛ بر تن رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود. قائم با همین پیراهن قیام می کند. یعقوب بن شعیب گوید: خون را بوسیدم و آن را بر چهره نهادم. حضرت آن را پیچیدند و دستور بردن آن را دادند (۱۳)؛ حضرت صادق علیه السلام به مفضل بن عمر فرمودند: «آیا می دانی پیراهن یوسف چه بود؟ مفضل می گوید: عرض کردم: خیر. فرمود: زمانی که برای ابراهیم علیه السلام آتش افروخته شد، جبرئیل برایش پیراهنی آورد و به تن او پوشاند و وجود این پیراهن باعث شد که گرما و سرما به او آسیب نرساند. وقتی که مرگش رسید آن را در بازوبندی قرار داده بر (بازوی) اسحاق آویخت. اسحاق نیز آن را بر بازوی یعقوب و او آن را وقتی که یوسف متولد گردید، بر بازوی او آویخت و در بازوی یوسف بود تا آنکه کار وی آنگونه شد هنگامی که یوسف علیه السلام آن را از بازوبند بیرون آورد. یعقوب بویش را استشمام نمود و این سخن خداوند است که (من بوی یوسف را استشمام می کنم، اگر که مرا تخطئه نکنید) پس آن پیراهن از بهشت بود. عرض کردم: فدایت شوم! این پیراهن به نزد چه کسی رفت؟ فرمود: نزد اهلش. آن پیراهن وقتی که قائم، قیام کند با وی خواهد بود. سپس فرمود: هر پیامبری که علمی یا چیز دیگری به ارث نهاد به آل محمد علیهم السلام رسید» (۸)؛ حضرت صادق علیه السلام می فرماید: «... بر تن او پیراهن رسول خدا صل الله علیه و آله است، همان پیراهنی که در روز احد با پیامبر بود. دستارش «سحاب» و زره رسول خدا «سابغه». مورخان گفته اند: تمام اشیائی که مربوط به رسول خدا صل الله علیه و آله می گردید دارای نامی خاص بود؛

یکی یکی به آن حضرت رو کردند و به سرزنش ایشان زبان گشودند. چون همه دم بستند، امام برخاست و فرمود: ای مردم! به کجا می‌روید، شما را به کجا می‌برند؟ خدا آغاز شما را با ما رهبری کرده و پایان شما را هم با دست ما به پایان می‌رساند اگر شما یک سلطنت گذرا و شتابان دارید، ما هم سلطنتی موعود داریم که پس از آن، سلطنتی نیست؛ زیرا ما اهل انجمامیم که خدای عزوجل می‌فرماید: «والعاقبة للمتقين» (اعراف/ ۱۲۵). هشام دستور داد که آن حضرت را به زندان بردند و چون به زندان رفت، سخنی گفت که کسی در زندان نماند، جز آن که سخن او را از دهانش ربود و به او دل بست. زندان‌بان نزد هشام آمد و گفت: ای امیر المومنین، من از اهل شام بر تو نگرانم که مبادا بر تو بشورند و تو را از مقامی که داری، جلو گیرند. گزارش آن حضرت را به او داد. هشام دستور داد او را با یارانش به همراه نامه‌بران به مدینه بازگردانند و فرمان داد که آن‌ها ندهند. سه شبانه روز راه سپردند و طعامی و آبی نیافتند تا به مدین رسیدند، ولی در شهر را به روی آن‌ها بستند. یاران آن حضرت از گرسنگی و تشنگی گلایه نزد ایشان بردند. حضرت می‌گوید: آن حضرت به کوهی برآمد که بالای شهر بود و به اهل شهر رو کرد و به آواز بلند فرمود: ای اهل شهری که مردمش ستمکارند! من همان بقیه الله هستم که خدا می‌فرماید: بقیه الله خیر لکم این کنتم مؤمنین وما انا علیکم بحفیظ» (هود/ ۸۶). راوی می‌گوید: در میان آن‌ها پیرمردی سالخورده بود، نزد مردم شهر آمد و به آنها گفت: ای مردم، این ندا به خدا همان دعوت شعیب است که به خداوند سوگند، اگر در بازار را به روی این مرد نگشایید، شما از بالای سر و از زیر پای خود گرفتار می‌شوید. این بار مرا تصدیق کنید و در آینده مرا دروغگو شمارید؛ زیرا من خیر خواه شما می‌گویم: مردم شناختند و برای محمد بن علی و یارانش خواروار بردند. خبر آن پیرمرد به هشام بن عبد الملک رسید. ک سی را فرستاد و او را خواست و به شام برد و هیچ نفهمید که چه بر سرش آمد (۱۰، ۱۴). همچنین پدر علی بن میثم از مادرش نقل کرده است که از مادر حضرت رضا علیه السلام نجمه، چنین شنیدم که می‌فرمود: وقتی فرزندم علی را حامله شدم، سنگینی حمل را حس نمی‌کردم و در خواب، از شکم خود، صدای تسبیح، تمجید و «لا اله الا الله» را می‌شنیدم. این صدا مرا به هراس می‌انداخت و وقتی بیدار می‌شدم، چیزی نمی‌شنیدم. چون او را به دنیا آوردم، نوزاد دو دستش را به زمین نهاد. سرش را به سوی آسمان بلند کرد و لبانش را تکان می‌داد و گویی چیزی می‌گفت، پدرش موسی بن جعفر علیه السلام بر من وارد شده و فرمود: ای نجمه! این کرامت الهی که به تو مرحمت فرموده، بر تو مبارک باد. نوزاد را در پارچه‌ای سفید پیچیده، به امام کاظم علیه السلام دادم، ایشان در گوش راست او اذان، و در گوش چپش اقامه گفت، سپس آب فرات طلبید و با آن، کام او را برداشت. پس از آن، او را به من باز گردانده، و فرمود: او را بگیر، او «بقیه الله» در زمین است. همچنین احمد بن اسحاق بن سعد اشعری نقل

مثلا عصای ایشان به نام «ممشوق» و یکی از دستارها به نام سحاب و شتر ماده شان به نام «عصبا» نامیده می‌شد. و شمشیر پیامبر «ذوالفقار» نیز همراهش خواهد بود» (۱۳)؛ حضرت باقر علیه السلام چنین فرمودند: ... عصای موسی از آن آدم بود که به شعیب رسید، سپس به موسی بن عمران و اکنون نزد ماست، به تازگی آن را دیدم، عصائی است سبز رنگ به همان شکلی که از درخت بریده شد. اگر از آن بخواهند که سخن گوید زبان به سخن می‌گشاید. آن را برای قائم ما علیه السلام آماده‌اش کرده‌اند. وی هر کاری که موسی با آن عصا انجام می‌داد، انجام دهد. آن عصا نیز هر چه به وی امر شود انجام می‌دهد و هر وقت او را بیفکند، با زبانش آنچه را که دشمن ساخته است خواهد بلعید» (۱۲)؛ همچنین باید شگفت که «سایغه (زره) سحابه (پرچم)، شمشیر براق پیامبر خاتم به مهدی علیه السلام ارث می‌رسد مهدی علیه السلام زره (سایغه) پیامبر اکرم صل الله علیه و آله را می‌پوشد. پرچم رسول الله به نام "سحابه" است، زره پیامبر اسلام به نام "سایغه" و شمشیر پیامبر اکرم به نام "ذوالفقار" را به گردن می‌آویزد. جابر بن عبد الله انصاری از امام باقر علیه السلام: مهدی علیه السلام در مکه، هنگام "نماز عشا" ظهور می‌کند، در حالی که پرچم و لباس و شمشیر رسول خدا همراه اوست» (۱۳). در جای دیگری از قرآن کریم چنین آمده است که «بقیه الله خیر لکم این کنتم مؤمنین» (هود/ ۸۶) یعنی [و بدانید که] آنچه خدا بر شما باقی گذارد، برای شما بهتر است [از آن زیادتی که به خیانت و کم و گران فروشی به دست می‌آورد] اگر واقعا به خدا ایمان دارید. و من نگهبان شما [از عذاب خدا] نیستم. عمر بن زاهر نقل کرده است که «مردی از امام صادق علیه السلام درباره‌ی امام قائم پرسید که آیا به عنوان امیر مومنان به او سلام می‌دهند؟ فرمود: نه. این نام را خدا ویژه‌ی امیر المومنین علیه السلام ساخته است. پیش از او کسی به آن نام نامیده نشده و پس از او هم جز کافر، خود را به آن نامند. گفت: قربانت گردم، پس چگونه به او درود فرستند؟ فرمود: می‌گویند: «السلام علیک یا بقیه الله»، سپس این آیه را خواند: «بقیه الله خیر لکم این کنتم مؤمنین» (۱۴). ابوبکر حضرمی نقل کرده است که چون امام باقر علیه السلام را به شام نزد هشام بن عبد الملک بردند و به دربار او رسید، هشام به اصحاب خود و حاضران از بنی امیه سفارش کرد: چون دیدید من محمد بن علی را سرزنش کردم و دم بستم، شما هر کدام به او رو کنید و به سرزنش او بپردازید و سپس اجازه داد وارد شود. هنگامی که حضرت بر او وارد شد، با دست به همه اشاره کرد، به همه درود فرستاد و همه را در سلام خود شریک ساخت سپس نشست و هشام بیشتر بر او خشمگین شد که به او به عنوان خلیفه‌ی مسلمانان، سلام نداد و بی اجازه‌ی او نشست. وی به امام رو کرد و او را به باد سرزنش گرفت و در ضمن به او می‌گفت: ای محمد بن علی، همیشه مردی از شما، جامعه‌ی مسلمانان را بر هم می‌زند و مردم را به سوی خود فرا می‌خواند و گمان دارد که پیشوا و امام مسلمانان است و هر چه خواست به امام ناسزا گفت و او را سرزنش کرد. چون خاموش شد، جمع حاضر

کرده است که امام حسن عسکری علیه السلام از درون اتاق بیرون شد، بر شانه‌ی او پسر بچه‌ای بود که رویش چون ماه شب چهارده می‌درخشید. کودک سه ساله می‌نمود. فرمود: ای احمد بن اسحاق! اگر نزد خدای عزوجل و حجت‌های او گرامی نبودی، پسر خویش را به تو نمی‌کردم. به درستی که او هم نام رسول خداست. تا آن که می‌گوید: آن کودک به زبان عربی فصیح گفت: منم بقیة الله در زمین او و منتقم از دشمنان اویم. ای احمد بن اسحاق دیگر از دیدن عین، به دنبال اثر نگردد (۱۰).

۴- آیه ۶۰ سوره بقره «وَإِذْ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرِبَهُمْ كَلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» و هنگامی که موسی برای قومش آب خواست به او گفتیم: با عصایت به این سنگ بزن آنگاه دوازده چشمه از آن جوشید که هر قبیله‌ای آبگیر خود را می‌شناخت گفتیم از رزق خدا بخورید و بنوشید و در زمین سر به فساد برمدارید. امام باقر فرمود: هرگاه قائم عجل الله ظهور کند یک منادی از مکه ندا می‌دهد... (۱۰). در این راستا امام رضا علیه السلام فرمود: قسم به خدا هرگاه قائم ما قیام کند، خداوند همگی شیعیان را از شهرها به سوی او گرد می‌آورد (۹). همچنین امام باقر فرمود: «مقصود از سخن خدای تبارک و تعالی یعنی «اینما تکنونوا یأت بکم الله» اصحاب امام قائم عجل الله است که ۳۱۰ مرد هستند و سپس دوباره فرمود: به خدا آن‌ها امت معدود هستند، فرمود: به خدا سوگند در یک هنگام چون تکه‌های ابر پاییز گرد هم می‌آیند (۱۴).

۵- آیه ۲۶۱ سوره بقره «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» داستان کسانی که مالشان را در راه خدا می‌بخشند، همچون داستان دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه‌ای صد دانه باشد، و خدا برای هرکس بخواهد پاداشی چند برابر می‌دهد و خدا وسعت بخش دانا است. حبه انبتت سبع سنابل، امام صادق علیه السلام در این زمینه فرمود: «منظور از حبه فاطمه الزهرا علیها السلام می‌باشد و مراد از هفت خوشه، هفت نفر از نسل آن حضرت است که هفتم ایشان حضرت قائم عجل الله خواهد بود... و آخر شان قائم عجل الله است...» (۵). همانگونه که ملاحظه می‌شود، حویزی در تفسیر این آیه از قرآن کریم، به مقوله‌ی قیام امام زمان عجل الله و وجود ایشان اشاره کرده است.

۶- آیه ۱۴۱ سوره آل عمران «وَلْيُبَيِّنَنَّ اللَّهُ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَيُبَيِّنَنَّ اللَّهُ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَيُبَيِّنَنَّ اللَّهُ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَيُبَيِّنَنَّ اللَّهُ لِلَّذِينَ آمَنُوا» و تا خداوند مومنان را ناب و خالص گرداند و کافران را از میان بردارد. رسول خدا فرمود: قائم و منتظری که خدا با او زمین را پر

از عدل و داد می‌کند، چنانچه پر از جور و ستم شده است... کسانی که در دوران غیبتش بر باور امامتشان استوار باشند، از کبریت احمر کمیاب‌تر هستند... (۱۰). حویزی، نور الثقلین؛ امام پنجم در تفسیر آیه ۵۹ از سوره‌ی نسا فرمود: ای کسانی که گرویدید خدا را فرمان برید و رسول خدا را فرمان برید و اولو الامر از خود را، فرمود: اولو الامر امامان از فرزندان علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام تا روز قیامت هستند... و مشارق و مغارب زمین را به دست او فتح کند (۵)، (۱۰). در تفسیر این آیه به خوبی مشخص شده است که حویزی با کمک نقل سخنان سایر نویسندگان و استناد به منابع آن‌ها تلاش کرده است که پاک شدن اقصی نقاط عالم به دنبال ظهور امام زمان عجل الله را بیان کند.

۷- آیه ۱۱۵ سوره انعام «وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» در ترجمه‌ی این آیه‌ی شریفه چنین آمده است که «و سخن پروردگارت را از لحاظ صدق و عدل تمام و کمال است و کلمات او را تغییر دهنده‌ای نیست و او شنوای دانا است». اما در رابطه با تعبیر «وتمت کلمة ربك الحسنی صدقاً وعدلاً» گفته شده است که کلمه‌ی «حسنی» نوعی تاویل معنوی است نه تنزیل (۱۴). همچنین در تفسیر نور الثقلین چنین آمده است که امیر المومنین از خروج دجال و قاتل او خبر داده و فرمود: دابه الارض از کوه صفا بر می‌آید و انگشتر سلیمان و عصای موسی علیه السلام با او هست... و همچنین امام باقر علیه السلام ذیل آیه ۱۵۸ سوره انعام می‌فرماید: چون آفتاب از مغربش طلوع کند، هرکس در آن روز ایمان بیاورد سود نمی‌بخشد... (۵).

۸- آیه ۸ سوره هود «وَلَمَّا أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَيُؤْتِلُنَّ مَا يَحْسِبُونَ إِلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» «وَلَمَّا أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ» و اگر عذاب را تا چند گاهی از آن‌ها به تاخیر اندازیم [به ریشخند] خواهند گفت: چه چیز مانع آن می‌شود؟ آگاه باش روزی که عذابشان فرا رسد از آن‌ها باز گردانده نشود و آنچه مسخره‌اش می‌کردند، آن‌ها را فرا گیرد. امام صادق در تفسیر این آیه فرمود: منظور حضرت قائم علیه السلام و یاران آن حضرت هستند. همچنین امام باقر فرمود: اصحاب قائم بیش از ۳۱۰ نفر هستند. به خدا سوگند آن‌ها امت معدوده‌ای هستند که خداوند در قرآن فرموده است: «وَلَمَّا أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ» (هود/ ۸) فرمود: آن جماعت (خاص) در یک هنگام چون تکه‌های ابر پاییز فراهم می‌آیند» (۱۵).

نتیجه‌گیری

در اندیشه بشریت هیچ امری همانند مسأله‌ی حضرت مهدی عجل الله که اسلام و پیش از آن ادیان آسمانی دیگر به آن بشارت داده‌اند

موضوع داشته باشد، به خوبی آن را تبیین کنند. یکی از مفسران قرآن کریم که به تفسیر آیات آخر الزمان بسیار توجه داشت، «الحویزی» است که در این پژوهش به بررسی دیدگاه‌های وی در تفسیر برخی از آیات آخر الزمان پرداختیم و به این نتیجه رسیدیم که وی تلاش کرد تا در هر آیه‌ای که رنگ و بویی از قضیه‌ی مهدویت و آخر الزمان باشد، این مسأله را پررنگ کند و گاهی با استناد به برخی از احادیث و روایات سخن خود را مستند و موکد سازد تا بتواند خوانندگان تفسیر خود را به خوبی قانع نماید و در عین حال نمود مسأله‌ی آخر الزمان را در قرآن کریم به خوبی تبیین کند.

مورد توجه نبوده است این موضوع پیش از آنکه مسئله دینی یا اسلامی باشد مسئله انسانی بوده چراکه ایشان تبلور آرزوهای تمام بشریت برای رهایی از ظلم و بندگی به ایجاد پایه‌های عدل و آزادی است. در میان همه ملل یعنی صاحبان ادیان آسمانی وجه مشترک ابتدا «توحید و سپس «موعودگرایی» و بالاخره «قیامت» است و در همه ادیان حجم زیادی از روایات به موضوع موعود اختصاص دارد. اهمیت این مقوله تا حدی است که بسیاری از مفسران قرآن کریم نیز در تفاسیری که از این کتاب آسمانی ارائه داده‌اند، به این مسأله اهتمام زیادی داشتند و سعی کردند هر جا که آیه‌ای اشاره به این

References

Holy Quran

Nahj al-Balagha

1. Abdollahzadeh Arani R, Khedmatkar Arani K. Contextual criticism of Noorolsaghelein interpretation traditions based on the Quranic documentations. *Tahqiqat-e Ulum-e Quran wa Hadith* [Internet]. 2016;13(1 (29)):137-159. Available from: http://tafsir.maaref.ac.ir/article_2144.html
2. Qamarzadeh M, Mehrizi Toroqi M, Ayazi SMA, Hujjati SMB. Analysis of theories in the function of the exegetical traditions basis on the typology of traditions of Tafsīr-i Nūr al-Thaqalayn. *Qru'anic Reserches*. 2018;23(89):44-71.
3. Taloue Hashemi SZ, Ali Dost R. Analysis of educational teachings in the interpretive traditions of Surah Ahzab. *Andisheh-haye Quran*. 2021;7(13):67-92.
4. Mirzakhani M, Ebnerasool SM, Shokrani R. Investigating tradition utilization from linguistic knowledge in interpreting of the Quran (a case study of Bismillah verse in al-Burhān and Nūr al-Thaqalayn). *Hadith Research*. 2021;13(2):33-48.
5. Hawezi AA. *Tafsir Noor al-Thaqalayn* (8 volumes). Qom: Navid Islam Publication; n.d.
6. Ibn Abi al-Hadid, Az al-Din. *Sharh Nahj al-Balagha*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi; n.d.
7. Tarihi F. *Majma al-Bahrain* (6 volumes). Tehran: Maktabat al-Murtadawiyah; 1996.
8. Majlisi MB. *Bihar al-Anwar*. Beirut: Moassat al-Wafa; 2005.
9. Tabarsi F. *A'lam al-Wara bi-A'lam al-Huda*. Ed. Ghaffari AA. Beirut: Dar al-Ma'rifah; 1979.
10. Saduq, Ibn Babawayh. *Uyun Akhbar al-Ridha*. Baghdad: Al-Maktabah al-Haidariyah; 1965.
11. Baharani SH. *Tafsir Burhan*. Beirut: Muassasat al-A'lami; 1992.
12. Hussein Shirazi S. *Al-Mahdi fi al-Quran*. Qom: Nashr-e Roshid; 2007.
13. Na'mani MB. *Al-Ghaybah*. Beirut: Moassat al-A'lami; 1983.
14. Kulayni M. *Usul al-Kafi*. Trans. Mustafavi SJ. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah; 1969.
15. Ayyashi SM. *Tafsir Ayyashi*. Tehran: Chapkhaneh-ye Ilmiyah; 2001.